

کتیبه‌های پارسی باستان نه تنها خود مهم می‌باشند، بلکه باعث کشف خط میخی (cuneiform) شدند. در سال ۱۶۱۸ میلادی بود که سفیر اسپانیا در ایران بنام گارسیا سیلوا فیگاروا^۱ تخت جمشید را شناسایی کرد، اما کارستن نیبر^۲ داتمارکی در سال ۱۷۷۰ بود که فهمید که در تخت جمشید کتیبه‌هایی بخط میخی وجود دارد. در همان قرن یک دبیر آلمانی بنام جورج گروتفند^۳ بود که شروع به کشف رمز خط میخی فارسی باستان کرد و در قرن هجدهم لیست الفبای پارسی باستان را بچاپ رساند. اما این خط الفبایی نبود بلکه هجائی بود. در قرن نوزدهم هنری کرسویک رالینن^۴ بود که بعنوان مشاور استاندار کردستان کتیبه بیستون را مشاهده کرد و با خطر بسیار با آویزان کردن خود از کوه بیستون بیشتر کتیبه را مشاهده و رونوشتی از آن تهیه کرد. این کار در حدود ۱۰ سال به طول انجامید و توانست نامهای شاهنشاهان هخامنشی را در سال ۱۸۴۶ بخواند. از آن زمان ترجمه کتیبه‌ها آغاز شد و رونالد کنت^۵ بود که این کاری که بیش از سه قرن آغاز شده بود به ثمر رساند. کنت در کتابش توانست تصویری کلی و خوب از دستور زبان،

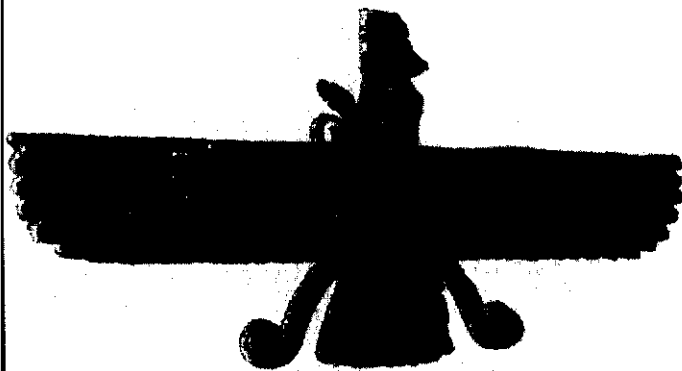
1 Garcia silve Figueroa

2 - Carsten Niebuhr

3 - George Grotefend

4 - Henry Creswick Rawlinson

5 - Ronald Kent



Les inscriptions de la Perse achéménide

*Traduit du vieux perse, de l'élamite,
du babylonien et de l'araméen,
présenté et annoté par*

Pierre Lecoq پروفسور کاو علی

پرتال جامع علوم انسانی

nrf

L'aube des peuples

Gallimard

لغتنامه و کتیبه‌ها دهد و تا دهه پیش این کتاب اصلی بود برای فراگیری پارسی باستان و از آن استفاده می‌شد و هنوز مفید می‌باشد. حال سوال در این است که این خط برای زبان پارسی چگونه و توسط کدام شاهنشاه دستور داده شده؟ بخاطر وجود کتیبه‌هایی بنام آریارمنه و ارشام و کورش، بسیاری در گذشته بر این باور بودند که قبل از داریوش خط پارسی باستان درست شده بود. اما در سال ۱۹۷۰ دیاکانف نشان داد که داریوش بوده که باعث و بانی ساخت خط پارسی باستان شد و جعل کتیبه‌های آریارمنه، ارشام و کورش و سعی در پوشش مسئله تسخیر تاج و تخت خاندان کوروش شد، چون در هر حال کوروش در این کتیبه‌ها از خاندان هخامنش بود، در صورتی که در اصل از خاندان چشپش بود.

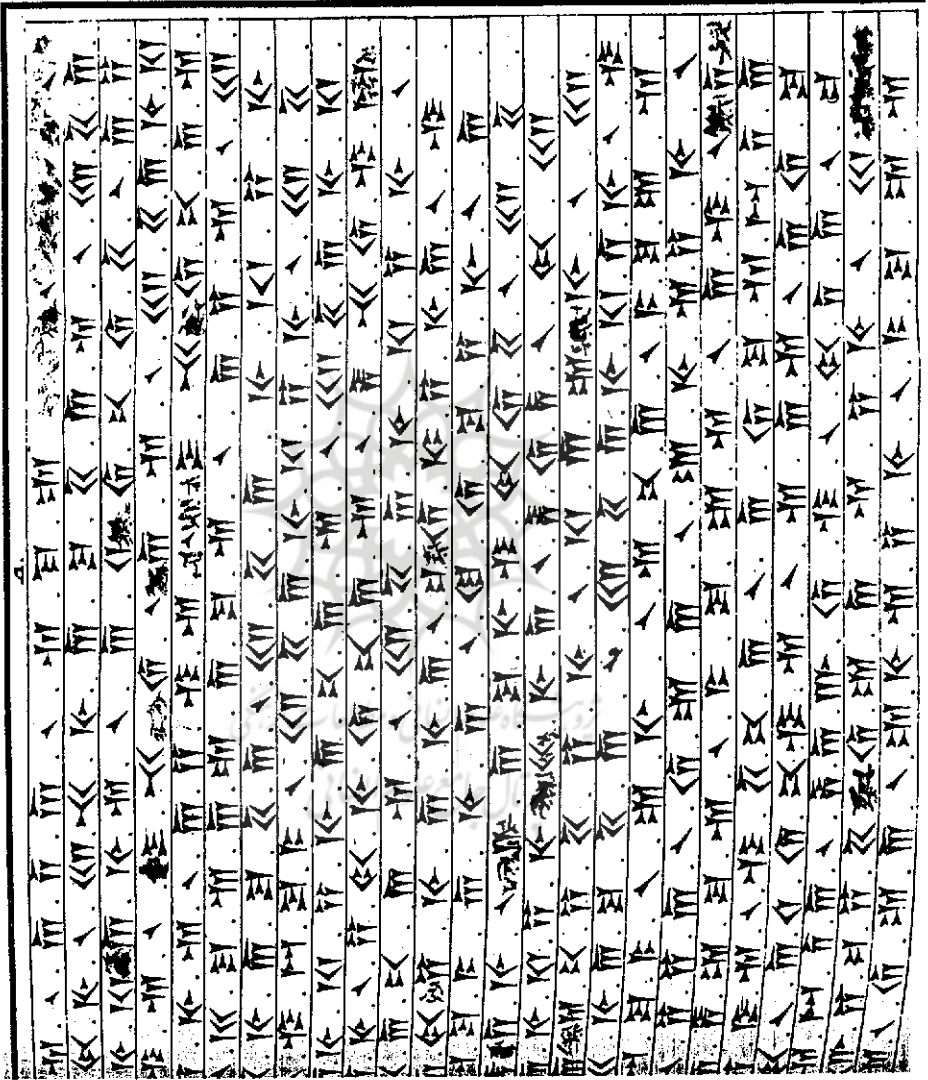
در دهه گذشته کتیبه‌های هخامنشی دوباره مد نظر دقیق ایرانشناسان قرار گرفته و دو نفر کتیبه‌های هخامنشی را دوباره ترجمه کرده‌اند. اول باید از مهمترین دانشمندان رشته پارسی باستان یعنی رودیگر اشمیت^۱ یاد کرد. در سال ۱۹۹۱ او کتبه بیستون داریوش را در یک جلد بچاپ رساند که شامل مقدمه مهم، یک کتابنامه کامل و آوانویسی نوینی و ترجمه و عکس کتیبه بود. پانویشت‌ها مشکلات در متن را روشن ساخت و همراه با ترجمه ایلامی و بابلی در دو جلد جداگانه مهمترین کتاب برای این کتیبه می‌باشد. در سال ۲۰۰۰ اشمیت کتیبه‌های پارسی باستان نقش رستم و پرسپولیس را نیز به کتابت در آورد و همان دقت و ظرافت را در این کتاب بکار برد. در این کتاب عکس‌هایی از کتیبه نقش رستم وجود دارد. در این کتاب ما تحول زبان پارسی باستان به پارسی میانه را مشاهده می‌کنیم که پس از کتیبه‌های خشایارشا و اشوباهات دستوری برمی‌خوریم. سوال اینجاست که آیا کاتبین، زبان پارسی باستان را فراموش کرده بودند یا زبان در حال تحول بوده؟

کتاب دیگر نوشته پیر لکوک^۲ دانشمند فرانسوی است که نام کتابش **کتیبه‌های پارسی هخامنشی** است. او در یک کتاب آنچه لازم برای شناخت زبان، خط، تاریخ پارسی باستان و بیش را عنوان کرد. در قسمت اول کتاب دو نقشه خوب که یکی نشان‌دهنده ساتراپی‌های هخامنشی می‌باشد. سپس شجره‌نامه خاندان را نشان داده. فصل اول کتاب درباره تاریخ کشف مرموز خط میخی می‌باشد. فصل دوم درباره آریایی‌ها در ایران می‌باشد. فصل سوم درباره دوره هخامنشی می‌باشد که درباره زبانهای مادی، ایلامی، بابلی، آرامی، مصری و یونانی سخنانی گفته شده. فصل چهارم به خط میخی پارسی باستان اختصاص داده شده و فصل پنجم به نام کوروش در بابل و قصر پاسارگاد می‌باشد، فصل ششم درباره داریوش و کتیبه بیستون است که



● کارستن نیبر (1733-1815) Gaarsten Niebuhr

| <i>Alphabetum Zendicarum Populitarium</i> <i>Zu Boylegi 1.</i> | | | |
|---|---------------------|----------|---|
| E. | Y / YE | <i>س</i> | س |
| S. | VE | <i>س</i> | س |
| E. | YVE | | |
| V. | Y / YV | | |
| R. | EY / EYV / EY | | |
| D. | V | | |
| N. | V | | |
| B/p. | V | | |
| G. | V | | |
| O. | V / VV | | |
| Gh. | Y - Y | | |
| incerta. | EY / EYV | | |
| E/a. | V | | |
| Th: | VV | | |
| T. | VVV | | |
| M. | EYV | | |
| O. | VV | | |
| K / | E / | | |
| Dj' | V / | | |
| Tsch. | V | | |
| A. | V / | | |
| Sell. | V / V / | | |
| Z / Z / Z / | V / V / V / | | |
| V. | V / V / V / | | |
| Kh | V / V / | | |
| Ng. | V / | | |
| h. | V / V / V / | | |
| l. | V / | | |
| f / ph. | V / | | |
| (group test) | V / V / | | |
| P. | V / V / V / V / V / | | |
| | V / V / V / V / V / | | |
| | V / V / V / V / V / | | |
| | V / V / V / V / V / | | |
| | V / V / V / V / V / | | |
| | V / V / V / V / V / | | |
| | V / V / V / V / V / | | |
| | V / V / V / V / V / | | |
| | V / V / V / V / V / | | |
| | V / V / V / V / V / | | |



● کتیبه‌ای که کارستن نیبر را به تصویر درآورد

کتیبه را قسمت به قسمت مورد بررسی قرار داده. فصل هفتم دربارهٔ داریوش و قصر پرسپولیس می‌باشد؛ فصل هشتم دربارهٔ قصر شوشی، فصل نهم دربارهٔ آرامگاه نقش رستم و فصل دهم دربارهٔ همدان، سوئز و دیگر نقاط می‌باشد. فصل یازدهم شهروندان شاهنشاهی است. فصل دوازدهم دربارهٔ مذهب در دوره هخامنشی است فصل سیزدهم دربارهٔ نهادهای هخامنشی است. قسمت دوم کتاب ترجمه کتیبه‌های پارسی باستان از کتیبه آریارمنه در همدان تا کتیبه اردشیر سوم می‌باشد. سپس کتبه یونانی که نام‌هایی است از طرف داریوش نیز ترجمه شده. دو کتاب اشمیت برای مطالعه دقیق و برخورد زبانشناسی با کتیبه‌هاست. کتاب لکوک برای تاریخ‌دانان بسیار مفید و کامل می‌باشد ولی چون دارای آوانویسی نیست به کمال کتاب اشمیت نیست. کار هر دو دانشمند تحسین‌آمیز است. منابع مهم برای مطالعه کتیبه‌های پارسی باستان:

- W. Brandenstein and M. Mayrhofer, *Handbuch des Altpersischen*, Wiesbaden, 1964.
- W. Hinz, *Altpersischer Wortschatz*, Leipzig, 1942.
- W. Hinz, *Neue Wege im Altpersischen*, Wiesbaden, 1973.
- K. Hoffmann, "Zur altpersischen Schrift," *Orientalia Romana*, vol. 52, 1983, pp. 31-39.
- R.G. Kent, *Old Persian Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven, 1953.
- P. Lecoq, "La langue des inscriptions achéménides," *Acta Iranica* 2, 1974, pp. 55-62.
- P. Lecoq, "Le problème de l'écriture cunéiforme vieux-perse," *Acta Iranica* 3, 1974, pp. 25-107.
- P. Lecoq, "Observations sur l'écriture vieux-perse," *Orientalia Romana*, vol. 52, 1983, pp. 31-39.
- P. Lecoq, *Les inscriptions de la Perse achéménide, traduit du vieux perse, de l'élamite, du babylonien et de l'araméen, présentée et annotée*, Ballimard, 1997.
- M. Mayrhofer, *Supplement zur Sammlung der altpersischen Inschriften*, Wien, 1978.
- M. Mayrhofer, *Die altpersischen Name*, Wien, 1979.
- A. Meillet, and E. Benveniste, *Grammaire du vieux perse*, Paris, 1931.
- H.H. Paper, *The Phonology and Morphology of Royal Achaemenid Elamite*, Ann Arbor, 1955.
- A. V. Rossi, "La varia linguistica nell'Iran achemenide," *AION*, vol. 3, 1981, pp. 141-196.
- R. Schmitt, "Altpersisch-Forschung in den Siebzigerjahren," *Kratylos*, vol. 25, 1980/1981, pp. 1-66.
- R. Schmitt, "Altpersisch," *Compendium Linguarum Iranicarum*, Wiesbaden, 1989, pp. 56-85.
- R. Schmitt, *The Bisitun Inscriptions of Darius the Great. Old Persian Text, CII, Part I*, vol. 1, Texts I, London, 1991.
- E. Voigtlander, *The Bisitun Inscription of Darius the Great. Babylonian Version, CII*, London, 1978.